۳
خورشید
هیأت تراز انقلاب اسلامی در آیینه ثقلین
شماره سوم | پاییز ۱۴۰۴



حماسه اشک

بررسی عزاداری از دیدگاه قرآن و عترت

هیأت تراز انقلاب اسلامی در آیینه ثقلین
شماره سوم، پاییز ۱۴۰۴

حماسه اشک

بررسی عزاداری از دیدگاه قرآن و عترت

به کوشش: سید محمد علوی
طراح جلد: علی ناصری
صفحه‌آرا: حسن ناصری
شمارگان: ۵۰۰۰ نسخه

استفاده از مطالب نشریه و تکثیر آن برای هیأت‌ها، در صورت ذکر منبع آزاد می‌باشد.

جامعه ایمانی مشعر

قم ـ کد پستی: ۳۷۱۹۶ - ۱۵۶۴۷
سامانه پیامک: ۳۰۰۰۱۵۴۲
پایگاه اطلاع‌رسانی: www.۱۵۴۲.org
رایانامه: info@۱۵۴۲.org

بسم الله الرحمن الرحیم

مقدمه

عزاداری به‌عنوان یکی از ارکان اصلی فرهنگ شیعی، همواره جایگاهی ویژه در منظومه فکری و عملی پیروان اهل‌بیت علیهم‌السلام داشته است. این پدیده، فراتر از یک سنت اجتماعی یا آیین قومی، در بستری از آموزه‌های وحیانی و سیره معصومین علیهم‌السلام ریشه دوانده و به‌عنوان نمادی از پیوند عاطفی و اعتقادی امت با پیشوایان دینی تبلور یافته است. با این حال، پرسش از چیستی، چرایی و چگونگی عزاداریِ مشروع و مقبول از منظر قرآن و عترت، همواره به‌عنوان دغدغه‌ای معرفتی مطرح بوده است.

این شماره از خورشید در پی آن است تا با اتکا به منابع دست اول دینی، جایگاه حقیقی عزاداری را در منظومه قرآن و سنت تبیین نماید. در این مسیر، افزون بر واکاوی مفاهیم و پیشینه تاریخی عزاداری در ادیان پیشین، به شواهد قرآنیِ دالّ بر جواز و حتی استحباب این سنت،

استناد می‌شود. همچنین، سیره عملی پیامبر اکرم ﷺ و ائمه اطهار علیهم‌السلام در برپایی و تأیید مجالس عزا، به‌عنوان دلیلی محکم بر مشروعیت و اهمیت این امر بررسی خواهد شد و در نهایت با ذکر مصادیق گوناگون عزاداری و ارائه مستندات روایی برای هر یک، درصدد ترسیم چارچوبی اصیل و مستدل برای این سنت دیرپا می‌باشد.

البته پیش از ورود به بحث، لازم است به این نکته اشاره شود که اگر برای یک عمل و رفتار، دلیلی بر نفی یا اثبات آن وجود نداشته باشد، از نظر عقلی، نبود دلیل به معنای آن نیست که آن عمل یا رفتار، غیرمشروع است؛ چنان که از نظر شرع نیز روشن است که صرف نبودن استدلال، دلیل بر غیرمشروع بودن نیست والا بایستی بسیاری از اعمال و رفتار مسلمانان که در صدر اسلام نبوده و پس از آن پدید آمده را غیرمشروع دانست.


اللهم ارزقني شفاعة الحسين يوم الورود
يا أبا عبد الله
يا أبا عبد الله

تعریف عزاداری

عزاداری، اگرچه در عرف عام به معنای ماتم‌گرفتن استعمال می‌شود، اما در لغت از ماده «عزو» به مفهوم صبر یا حُسن صبر بوده و بر وزن فَعال، مصدر دوم باب تفعیل است[1]. بنابراین، عزاداری به معنای صبر پیشه‌کردن هنگام مصیبت است؛ نه ماتم‌گرفتن. به هر حال، آنچه در این مقام به دنبال آن هستیم، یکی از معانی عرفی واژه است. در عرف، عزاداری به دو مفهوم استعمال می‌گردد:

۱. حالت درونی و روانی: در این معنا، عزاداری اشاره به همان «داغ درون» و زخم عمیقی دارد که بر اثر فقدان و یا حرمانی بر جان و دل انسان می‌نشیند و باعث

۱. احمد بن محمد فیومی، مصباح المنیر فی غریب شرح الکبیر، ص ۴۰۸.

می‌شود که قلبش بسوزد، روح و روانش متأثر گردد و احساساتش برانگیخته شود. این بُعد، بیشتر به حوزه روان‌شناسی دین و عواطف انسانی تعلق دارد.

۲. نماد بیرونی و آیینی: در اینجا، عزاداری به مراسم‌های جمعی اطلاق می‌شود که به منظور بزرگداشت یک شخص، گروه و یا یک رویداد برگزار می‌شود که از مصادیق بارز آن، عزاداری‌های مذهبی است.[۱]

۱. محمد کاویانی، روان‌شناسی عزاداری، ص ۸.



پیشینه‌عزاداری

عـزاداری به‌عنـوان پدیـده‌ای انسـانی و معنـوی، منحصـر به دیـن اسلام یـا مذهـب تشیـع نیسـت، بلکـه پیشینـه‌ای بـه درازای تاریخ بشر دارد و ردپای آن را حتی در سیره پیامبران اولوالعزم می‌توان یافت. مثلاً؛ در واقعه قتل هابیل به دست بـرادرش قابیـل، هنگامـی که حضـرت آدم از این فاجعه آگاه شـد، سیل اشـک از چشمانش جاری گشت و سالیانی با یاد و خاطره فرزندش، به سـوگواری پرداخت.[1] همچنین، بر پایه آیات قرآن کریم و روایات معصومین علیهم‌السلام، حضرت یعقوب پس

۱. علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۱۱، ص ۲۲۸.

از فراق فرزندش حضرت یوسف، سال‌ها گریست و عزاداری کرد، چنان که اشک‌هایش بینایی چشمانش را از او گرفت.[1] حضرت موسی نیز در سوگ برادرش هارون، به سنت عزاداری عمل نموده و برای برادرش اقامه عزا کرده است.[2]

این نمونه‌های تاریخی به وضوح نشان می‌دهند که «عزاداری» یک غریزه فطری و پاسخ طبیعی قلب انسان به پدیده «فراق» است که ریشه در سرشت آدمی دارد و پیش از هر دین و آیینی، در زندگی اولیای الهی حضور داشته است.



۱. یوسف، ۸۴.
۲. شیخ حر عاملی، وسائل الشیعه، ج۲، ص۹۱۷.

نگاه اسلام به عزاداری

طرح این موضوع ضرورت دارد که دیدگاه دین مبین اسلام درباره سوگواری به معنای عام و فراگیر آن که انسان در مصیبت فردی از بستگان و دوستان از خود بروز و ظهور می‌دهد چیست؟ البته می‌توان آن را به این پرسش تبدیل کرد که نظر اسلام درباره سوگواری چیست؟ آیا سوگواری و گریه در فراق دیگران جایز است؟ آیا می‌توان در قرآن و سیره پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله و اهل‌بیت علیهم‌السلام مواردی را شناسایی کرد که آنان نیز گریه و سوگواری کرده باشند؟ اگر سوگواری جایز است حدود آن را مشخص کنید. واکنش معصومین علیهم‌السلام و سیره رفتاری آنان به عنوان انسان کامل در چنین مواقعی چه بوده است؟

در فرهنگ اسلامی، آنچه را که باید به عنوان اصل اولی در این موضوع پذیرفت، این است که سوگواری برای اموات و مصیبت از دست دادن عزیزان، در صورت حفظ

شکیبایی و راضی بودن به قضا و قدر الهی هیچ منعی ندارد، چراکه گریستن در فراق عزیزان، امر غریزی و عاطفی همه انسان‌هاست. البته این جواز تا زمانی اعتبار دارد که در بردارنده حالات افراطی و محرمات الهی نباشد، لذا روایاتی هم که در نهی از عزاداری وارد شده است، ناظر به همین مطلب است.

امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید: «**انما تحتاج المراة فی الماتم الی النوح لتسیل دمعتها ولا ینبغی لها ان تقول هجرا فاذا جائها اللیل فلا توذی الملائکة بالنوح**»؛ هنگام ماتم و عزا، بانوان برای کاستن بار مصیبت نیاز به شیون و زاری دارند، اما شایسته نیست سخنان بیهوده و باطل بگویند و باید با فرا رسیدن شب، نوحه، گریه و فریاد را رها سازند تا فرشتگان آزار نبینند[1].

۱. شیخ حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۹۰.

عزاداری در قرآن

خداوند در سوره یوسف اشاره به اقامه عزای حضرت یعقوب در فراق فرزندش حضرت یوسف کرده است: «وَتَوَلَّى عَنْهُمْ وَقَالَ يَا أَسَفَى عَلَى يُوسُفَ وَابْيَضَّتْ عَيْنَاهُ مِنَ الْحُزْنِ فَهُوَ كَظِيمٌ»؛[1] یعقوب (از شدت حزن) روی از آن‌ها (فرزندانش) بگردانید و گفت: وا اسفا بر فراق یوسف! و از گریه غم چشمانش سفید شد و سوز هجران و داغ دل پنهان کرد. حضرت یعقوب علیه‌السلام در فراق فرزندش یوسف، دچار حزن و اندوه فراوانی گشت، به طوری که سالیان درازی در غم یوسف اشک ریخت تا دیدگانش سفید شد و بینایی خود را از دست داد؛ برادران یوسف از گریه و حزن بسیار پدر به ستوه آمده و گفتند: «تَاللَّهِ تَفْتَؤُا تَذْكُرُ يُوسُفَ حَتَّى تَكُونَ حَرَضًا أَوْ تَكُونَ مِنَ الْهَالِكِينَ»؛[2] به خدا سوگند! همیشه

۱. یوسف، ۸۴.
۲. یوسف، ۸۵.

به یاد یوسف هستی و خاطره او را از یاد نمی‌بری و دست از او برنمی‌داری تا حدی که خود را مشرف به هلاک کنی!

از این آیه شریفه درمی‌یابیم که گریه و اندوه هرچند سالیان درازی طول بکشد، نه‌تنها مذموم نیست، بلکه مشروع و از ویژگی‌های مثبت به شمار می‌آید. مؤید آنچه گفته شد تمسک و استدلال امام سجاد علیه‌السلام است که در پاسخ به کسانی که به گریه آن حضرت اعتراض می‌کردند، فرمود: مگر شما از گریه و عزاداری یعقوب پیامبر اطلاع ندارید؟ او سالیان طولانی در فراق یوسف گریست تا بینایی خود را از دست داد؛ در صورتی که فرزندش حیات داشت و تنها از او دور بود؛ اما من با چشمان خود دیدم که پدرم و ۱۷ تن از اهل‌بیت پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله را شهید کرده و سرهایشان را از تن جدا نمودند.[۱]

به غیر از این مورد که به طور خاص، اقامه عزای حضرت یعقوب در قرآن ذکر شده است و دلالت بر جواز عزاداری دارد، می‌توان برای اثبات جواز و بلکه رجحان اقامه عزاداری به آیات دیگری از قرآن کریم تمسک نمود؛ از جمله آیه «**لا يُحِبُّ اللهُ الجَهْرَ بالسُّوء مِنَ الْقَولِ إلاّ مَن ظُلِم**»[۲] است که خداوند در این آیه می‌فرماید: فریاد زدن به بدگویی

۱. شیخ حر عاملی، وسائل الشیعه، ج۲، ص۹۲۳، باب جواز البکاء علی المیّت.
۲. خداوند متعال فریاد زدن به بدگویی را دوست ندارد، جز برای کسانی که مورد ستم قرار گرفته اند.

را دوست ندارد، جز برای کسانی که مورد ستم قرار گرفته‌اند؛ از این استثناء می‌توان نتیجه گرفت، خداوند متعال نه تنها به مظلومان اجازه فریاد و افشاگری داده، بلکه چنین فریادی محبوب الهی قرار گرفته است؛ عزاداری هم اگر برای مظلومیت اولیاء الهی دایر شود می‌تواند مصداقی از این عنوان قرار بگیرد، پس عزاداری نیز محبوب الهی می‌باشد.



تعظیم شعائر الهی

از دیگر عناوینی که امکان تطبیق آن بر عزاداری هست، عنوان تعظیم شعائر الهی است؛ بی‌شک تعظیم و بزرگداشت شعائر الهی از دستورات اساسی دین اسلام است، قرآن کریم در این مقام این‌گونه می‌فرماید: «ذَلِكَ وَمَنْ يُعَظِّمْ شَعائِرَاللهِ فَإِنَّها مِنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ»؛[1] [فرمان خدا] این چنین است و هر کس شعائر و نمادهای خدا را بزرگ بدارد، از این رو قطعاً چنین کاری [برگرفته] از تقوای دلهاست.

به طور کلی هر عمل یا آیینی که در چارچوب تعالیم اسلام، یاد خدا را زنده کند و بستری برای تقوا و رشد معنوی انسان فراهم آورد، در زمرهٔ شعائر الهی جای می‌گیرد. نماز، روزه، حج و دیگر عبادات، همگی نمونه‌های آشکاری از این شعائر هستند. با

۱. حج، ۳۲.

این استدلال و با توجه به مشروعیتی که برای عزاداری در متون دینی ثابت شده، بی‌تردید مراسم عزاداری برای اولیای الهی که مظهر قرآن ناطق و مجاهدان راه توحید بودند در زمرهٔ برجسته‌ترین شعائر اسلامی محسوب می‌شود. چراکه در این مجالس، محتوایی جز آموزش معارف دین، زنده‌نگاه‌داشتن یاد ایثارها و فداکاری‌های شهیدان، بیان دوستی با دوستان خدا و برائت از دشمنان حق مطرح نمی‌شود.

همان‌گونه که قربانی کردن در عید قربان، یک سنت الهی و از نشانه‌های بزرگ اسلام به شمار می‌رود، زنده نگاه‌داشتن یاد و خاطرهٔ قربانیان راه خدا مثل شهدای کربلا نیز از مصادیق بارز شعائر الهی است.

همچنین می‌توان عزاداری را یکی از مصادیق آیه مودّت دانست؛ قرآن کریم دوستی خاندان پیامبر ﷺ را بر امّت اسلامی فرض دانسته و محبّت آنان را پاداش زحمات طاقت‌فرسای پیامبر اسلام ﷺ در راه ابلاغ رسالت قرار داده و فرموده است: «**قُل لا أَسْئَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرا إِلاَّ الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبى**»[1] (ای پیامبر به امتت) بگو: من از شما اجر رسالت جز این نخواهم که مودّت و محبّت مرا در حقّ خویشاوندان منظور دارید (و دوست‌دار آل محمّد علیهم‌السلام باشید)؛ شکی نیست که از نشانه‌های مهم دوستی آنان، همدردی و همدلی در سوگ و یا شادی آنان است. در روایات فراوانی نیز بر این

۱. شوری، ۲۳.



نکته تأکید شده است که در جشن و سرور اهل‌بیت علیهم‌السلام شاد و در اندوه و ماتم آنان اندوهناک باشید، مثل کلامی نورانی که از وجود مقدس امام صادق علیه‌السلام وارد شده که ایشان می‌فرماید: «**رحم الله شیعتنا خلقوا من فاضل طینتنا و عجنوا بماء ولایتنا یحزنون لحزننا و یفرحون لفرحنا**»؛[1] خدا رحمت کند شیعیان ما را که از زیادی گل ما بوجود آمده و با آب ولایت (و محبّت) ما خمیر شده‌اند، در غم ما غمگین و در شادی ما شادمانند.

۱. علی رضا صابری یزدی، الحکم الزاهرة، ص۴۶۸.





عزاداری در سیره نبوی

سیره پیامبر اکرم ﷺ در بکاء و عزاداری در مصیبت‌ها، یکی از محکم‌ترین و متقن‌ترین ادله و مستندات شیعه برای اثبات مشروعیت و ارزشمند دانستن برگزاری مجالس سوگ و عزاداری است که در ذیل به نمونه‌هایی گویا از این سیره نبوی اشاره می‌شود:

گریه پیامبر ﷺ در شهادت حضرت حمزه

یکی از بزرگ‌ترین مدافعان مکتب توحید و حامیان راستین پیامبر ﷺ، حضرت حمزه بود که

در جنگ اُحد به شـهادت رسید. خبر شـهادت ایشـان، تأثیری عمیق بر قلب و روح آن حضرت گذاشـت، لذا آن حضرت در شـهادت ایشـان، با صدای بلند گریه کردند. حلبی در سیره خود می‌نویسد: «پیامبرﷺ چون پیکر خونین حمزه را یافت، گریست و چون از مثله کردن او آگاهی یافت با صدای بلند گریه سر داد».[1]

ایـن گریـه و نالـه از سـوی آن حضرت بـرای عزای عمویش حمزه آن‌قدر شـدید بوده اسـت، که ابن‌مسـعود می‌گوید: «ندیدیم پیامبرﷺ بر کسـی گریه کند، آن‌گونه که با شـدّت در شـهادت عمویش حمزه اشـك میریخت، بدن حمزه را به طرف قبله قرار داد، سـپس کنار آن قرار گرفته و با صدای بلند گریه کرد تا حال غش به آن حضرت دست داد».[2]

رسـول خداﷺ در بازگشـت از اُحد، وقتی صدای گریه را از خانههای مردم مدینه بر شهدایشان شنید، چشمانش پر از اشك شد و فرمود: «عمویم حمزه گریه‌کن ندارد» و چـون سـعد بـن معـاذ و أسید بن حضیر به خانه‌های بنی‌عبدالأشـهل بازگشـتند، زنان‌شـان را أمـر کردنـد تـا غـم و انـدوه خـود را در سینه‌ها حبس کننـد و ابتدا برای

---

۱. أبو الفرج الحلبی الشافعی، السیره الحلبیه، ج ۲، ص ۲۴۷.
۲. محب الدین الطبری، ذخائر العقبی، ص ۱۸۱.

عموی پیامبرﷺ عزاداری کنند.[1] از آن به بعد کسانی که سخن آن حضرت را شنیده بودند، قبل از گریه بر هر شهید، اوّل برای حمزه عزاداری می‌کردند.[2]

ابن‌کثیر نیز می‌نویسد: «ابن‌عمر روایت نموده رسول خداﷺ چون از اُحد بازگشت، زنان أنصار را مشاهده نمود که بر کشته‌های خود گریه می‌کنند. رسول خداﷺ فرمود: حمزه گریه‌کن ندارد. رسول خداﷺ بعد از مقداری استراحت متوجه شدند که زن‌ها برای حمزه گریه می‌کنند. از آن روز تاکنون زنان ابتدا برای حمزه و سپس برای کشته‌های خود عزاداری می‌کنند» ابن‌کثیر بعد از نقل این خبر، می‌گوید: این روایت شرط صحت را بر اساس قواعد مسلم دارد.[3] استمرار گریه برای حضرت حمزه در تمام عزاداری‌ها به عنوان سنتی شد که به نقل مورخین، همه به آن عمل می‌کردند، چنان‌که ابن‌سعد گفته است: «از آن روز به بعد، انصار ابتدا برای حمزه و

---

۱. محمد بن جریر طبری، تاریخ الرسل و الملوک (تاریخ طبری)، ج ۲، ص ۲۱۰؛ ابن هشام، السیره النبویه، ج ۳، ص ۶۱۳.

۲. نور آل دین آل هیثمی، مجمع الزوائد، ج ۶، ص ۱۲۶.

۳. ابن کثیر، البدایه والنهایه، ج ۴، ص ۵۵.

سپس برای کشته خود گریه می‌کنند»[1] و واقدی می‌گوید: «از آن زمان تاکنون، زنان ابتدا برای حمزه گریه و عزاداری می‌کنند»[2]

عزاداری پیامبرﷺ در مصیبت جعفر طیار

امام صادق علیه‌السلام فرمود: چون خبر شهادت جعفر بن ابی طالب و زید بن حارثه به پیغمبرﷺ رسید، هرگاه وارد خانه‌اش می‌شد، برای آن بسیار می‌گریست و می‌گفت: آن دو هم سخن و همدم و مونس من بودند. هر دو با هم رفتند.[3] همچنین گفته شده وقتی جعفر در موته به شهادت رسید، رسول خداﷺ به خانواده جعفر سه روز مهلت داد تا عزاداری کنند، سپس فرمود: از امروز برای برادرم گریه نکنید و فرمود: او را دو بال است که در هر جای بهشت بخواهد با آن پرواز کند.[4]

---

۱. واقدی، الطبقات الکبری، ج ۲، ص ۴۴.
۲. ابن اثیر، أسد الغابه، ج ۲، ص ۴۸.
۳. شیخ صدوق، من لا یحضره الفقیه، ج۱ ، ص۱۲۷.
۴. النووی، ریاض الصالحین، ص۶۴۵.

عزاداری پیامبرﷺ در عزای فرزندش ابراهیم

امام صادق علیه‌السلام فرمود: «**لما مات ابراهیم بن رسول الله حملت عین رسول الله بالدموع ثم قال النبی تدمع العین ویحزن القلب ولانقول ما یسخط الرب وإنّا بک یا ابراهیم لمحزونون.**»[1] هنگامی که ابراهیم پسر رسول‌خداﷺ از دنیا رفت، چشم آن حضرت پر از اشک شد و سپس فرمود: چشم، اشکبار می‌شود و دل غمگین می‌گردد، ولی چیزی نمی‌گوییم که خدا را به خشم آورد و ما در سوگ تو ای ابراهیم اندوهناکیم.

دفاع پیامبرﷺ از گریه اهل مدینه در مصیبت

فردی از خاندان رسول خداﷺ از دنیا رفت، زنان مدینه اجتماع کرده و بر وی گریه می‌کردند. عمر آنان را از گریه باز می‌داشت و آنان را دور می‌کرد. پیامبرﷺ فرمود: ای عمر! بگذار تا گریه کنند، چشم اشک می‌ریزد و دل می‌سوزد چرا که مصیبت دیده است و این مصیبت تازه است.[2]

---

۱. علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۲۲، ص ۱۵۷.
۲. احمد بن شعیب نسائی، سنن نسائی، ج ۴، ص ۱۹، باب الرخصة فی البکاء علی

عزاداری در سیره اهل‌بیت علیهم‌السلام

به گواهی تاریخ، اهل‌بیت عصمت و طهارت برای رسول خدا و مصیبت فقدان حضرتش اقامه عزا کردند و به سوگواری پرداختند. امیرالمؤمنین علیه‌السلام هنگامی که مشغول غسل و تجهیز پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله بود؛ با بیان سخنانی سوزناك و حزن‌انگیز که از نهایت اندوه و غم مولا در آن هنگام خبر می‌دهد فرمود: «بأبی أنت وأمّی یا رسول الله لقد انقطع بموتك ما لم ینقطع بموت غیرك من النّبوّة والإنباء وأخبارالسّماء...»؛[1] پدر و مادرم فدایت باد ای رسول خدا، با مرگ تو چیزی قطع شد که با مرگ دیگری قطع نگشت و آن نبوّت و پیام آوردن از سوی خدا و اخبار آسمان بود. از «انس بن مالك» روایت شده است که وقتی رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله را به خاك سپردیم، حضرت فاطمه علیهاالسلام به سوی

۱. آیت‌الله مکارم، پیام امام امیر المومنین، ج ۸، ص ۵۴۸.

من آمد و گفت: ای انس! چگونه راضی شدید که خاك بر چهره رسول‌الله ﷺ بریزید، آنگاه گریست.[1] به نقل دیگری، آن حضرت مقداری از خاك قبر پدر گرامیش را برداشت و بر دیدگانش نهاد و فرمود:

ماذا عَلَى الْمُشْتَمِّ تُرْبَةَ احْمَدَ انْ لا يَشُمَّ مَدَى الزَّمانِ غَوالِيا

بر چه ملامت شود کسی که تربت پاك احمد را ببوید، ولی هرگز در طول عمرش عطر دیگری نبوید؟!

صُبَّتْ عَلَيَّ مَصآئِبُ لَوْانَّها صُبَّتْ عَلَى الْأَيَّامِ صِرْنَ لَيالِيا

مصیبت‌هایی بر من وارد شد که اگر بر روزهای روشن وارد می‌شد همچون شب‌های سیاه و ظلمانی می‌گشت.[2]

در حدیثی از امام باقر ؑ نیز می‌خوانیم که به یکی از یارانش چنین فرمود: «**إن أصبت بمصيبة في نفسك أو في مالك أو في ولدتك فاذكر مصابك برسول الله فإنّ الخلائق لم يصابوا بمثله قطّ**»؛[3] هرگاه مصیبتی در جان یا مال یا فرزندت به تو برسد، مصیبت رسول‌الله ﷺ را یاد کن، زیرا مردم هرگز به مصیبتی مانند مصیبت آن حضرت گرفتار نشدند.

---

۱. محمد دارمی، سنن دارمی، ج ۱، ص ۴۰.
۲. همان، ص ۵۰.
۳. طبرسی، مشکاة الأنوار، ج۱، ص۲۷۹.

السلام علی الحسین وعلی علی بن الحسین
وعلی اولاد الحسین وعلی اصحاب الحسین



قال رسول الله صلی الله علیه و آله

إِنَّ لِقَتْلِ الْحُسَينِ
حَرَارَةً فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ
لَا تَبْرُدُ أَبَداً قال رسول الله صلی الله علیه و آله

برای شهادت حسین علیه السلام داغی در قلب‌های مؤمنان است
که هرگز سرد نخواهد شد.

مستدرک الوسائل، ج ۱۰، ص ۳۱۸

اهمیت عزای امام حسین علیه‌السلام

بی‌شک هرقدر عزیز از دست رفته بزرگ‌تر و آثارش گسترده‌تر باشد، به همان نسبت مصیبت فقدانش عظیم‌تر است، در اینکه مقام و منزلت پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله و امیرالمؤمنین علیه‌السلام از امام حسین علیه‌السلام و دیگر ائمه علیهم‌السلام بالاتر است، هیچ شک و شبهه‌ای نیست و خود آن بزرگواران به ما چنین آموخته‌اند، اما اینکه چرا در عزای سیدالشهداء علیه‌السلام بیش از دیگر معصومین علیهم‌السلام عزاداری می‌کنیم، چند علت دارد که در ذیل به آن‌ها خواهیم پرداخت:

۱. اوج مظلومیت

همه معصومین علیهم‌السلام مظلوم بودند و دشمنان به آنان ستم‌ها روا داشته و ایشان را به شهادت رساندند؛ از این رو شیعیان برای همه آن‌ها عزاداری می‌کنند؛ ولی

جنایاتی که در حادثه کربلا شکل گرفت بی سابقه بود[1] و مظلومیت امام حسین علیه‌السلام و ظلم دشمنان، در اوج قرار گرفت، زیرا همان کسانی که سال‌ها در شمار یاران پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله و امیرمؤمنان علیه‌السلام بودند و در کنار آنان با دشمنان جنگیده بودند، ابتدا با دعوت فرزندش حسین علیه‌السلام به او اعلام وفاداری کردند، ولی سپس در کربلا، او و یاران وفادارش را به فجیع‌ترین شکل به شهادت رساندند و خاندان پاک آن حضرت را به اسارت بردند و اهانت‌های بی‌شماری نسبت به آنان روا داشتند و خباثت را به اوج خود رساندند تا حدی که هیچ گاه نظیر آن سابقه نداشته و آن جنایات در مورد هیچ یک از امامان دیگر و شاید در تاریخ اسلامی انجام نشده بود؛[2] لذا امام مجتبی نیز به این مهم اشاره نموده و می‌فرماید: «لَا یَوْمَ کَیَوْمِکَ یَا أَبَا عَبْدِ اللهِ»؛[3] هیچ روزی مثل روز تو نخواهد بود یا اباعبدالله

۲. نقش امام حسین علیه‌السلام در احیای دین

همه امامان شیعه، حاملان و پاسداران راستین دین اسلام بوده و نقش محوری در احیاء و گسترش آن ایفا کردند. فعالیت‌های متنوع ایشان، اعم از صلح یا قیام، همواره

۱. محمد ابراهیم آیتی، بررّسی تاریخ عاشورا، ص۱۵۲.
۲. علی اصغر عزیزی، شرح زیارت عاشورا، ص ۴۲.
۳. شیخ صدوق، الامالی، ص۱۱۵.

در راستای حفظ کیان دین و صیانت از ارزش‌های اصیل آن صورت می‌پذیرفت. در این میان، اگرچه تمامی ائمه علیهم‌السلام در این مسیر مجاهدت‌ها نمودند، اما فداکاری و شهادت امام حسین علیه‌السلام نقشی بی‌بدیل و تعیین‌کننده در نجات و تداوم اسلام ناب داشت. ایشان در برهه‌ای حساس از تاریخ اسلام ظهور کردند که اساس دین در معرض تحریف و نابودی قرار داشت. در چنین شرایطی، نقش امام حسین علیه‌السلام در احیای دین آن‌چنان حیاتی و سرنوشت‌ساز بود که گویا جز از طریق قیام و نثار خون پاک ایشان و یارانشان، بقا و استمرار اسلام ممکن نبود. از این رو، آن حضرت یکی از اهداف اصلی قیام عظیم خویش را حفظ دین از انحراف معرفی فرمود.[1] نقش امام حسین علیه‌السلام در حفظ و صیانت از دین به حدّی است که گفته شده است: «**إنّ الاسلام محمدی الحدوث، حسینی البقاء**»؛[2] اسلام با پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله به وجود آمد و با حسین علیه‌السلام باقی ماند.

۳. سفارش و سیره معصومین علیهم‌السلام

یکی از عوامل اصلی و مؤثر در ترویج و گسترش فرهنگ عزاداری برای امام حسین علیه‌السلام، سیره گفتاری و عملی معصومان علیهم‌السلام است. ائمه اطهار، با درک جایگاه محوری قیام

۱. حیاة الامام الحسین، ج ۲، ص ۲۶۴؛ بحارالانوار، ج ۴۵، ص ۶.
۲. فرهنگ عاشورا، ص ۱۴۹.

عاشورا در احیای دین و صیانت از ارزش‌های اسلامی، همواره بر زنده نگه‌داشتن یاد و نام امام حسین علیه‌السلام تأکید داشتند. بر این اساس، آن بزرگواران نه تنها خود به عزاداری و اشک بر اباعبدالله علیه‌السلام می‌پرداختند، بلکه پیروان خویش را نیز به برپایی مراسم سوگواری و حفظ آیین‌های عاشورایی توصیه و ترغیب می‌فرمودند. باتوجه به اهمیت بنیادین زنده نگاه داشتن یاد و قیام امام حسین علیه‌السلام، معصومین علیهم‌السلام در بیانات خویش، به بیان ثواب، پاداش‌های اخروی و فضایل معنوی عزاداری و گریه بر آن حضرت پرداخته‌اند. طبیعی است که این سفارش‌های مؤکد، همراه با تبیین آثار و برکات عزاداری، نقش تعیین‌کننده‌ای در گرایش هرچه بیشتر جامعه به سوی این سنت حیات‌بخش داشته و در نهادینه شدن عمیق و ماندگار آن در فرهنگ شیعی ایفا کرده است. یکی از ده‌ها و بلکه صدها روایتی که در این باب وارد شده، روایتی است که امام صادق می‌فرماید: «**ما من احد قال فی الحسین شعرا فبکی و ابکی به الا اوجب الله له الجنه و غفرله**»[1] ؛ هیچ کس نیست که برای حسین بن علی شعری بگوید و بگریاند ، مگر آنکه خداوند بهشت را بر او واجب سازد و او را بیامرزد.

۱. شیخ حر عاملی، وسایل الشیعه، ج ۱۰، ص۴۶۴.

۴. درس آزادی

آزادی و عدالت از آرمان‌های مشترک و خواسته‌های فطری بشریت هستند و طبیعی است که پیام‌آوران و بنیان‌گذاران فرهنگ این ارزش‌ها، همواره مورد احترام و محبت همگان قرار گیرند. در این میان، بی‌تردید امام حسین علیه‌السلام به عنوان پرچمدار بی‌بدیل عدالت و آزادی‌خواهی شناخته می‌شود. ایشان با روحیه ستیزناپذیرِ ستم‌ستیزی و کنش انقلابی خویش، به جامعه بشری درس آزادگی آموخت و فرهنگ حق‌مداری و عدالت‌طلبی را در کالبد تاریخ تزریق نمود. عزاداری و گریه بر امام حسین علیه‌السلام، در حقیقت، مشارکت در آن حماسه جاودان و کوششی برای تقرب به اوج آرمان‌های حماسی و عدالت‌خواهانه آن حضرت است. امام حسین علیه‌السلام در عرصه مبارزه با ستم، تنها پیشوای شیعیان نیست، بلکه او سرور و اسوه تمام آزادگان جهان است. این جایگاه جهانی تا بدان‌جاست که شخصیتی همچون «مهاتما گاندی»، رهبر استقلال هند، امام حسین علیه‌السلام را به عنوان الگوی مبارزه ضد استعماری خود برمی‌شمارد. قیام حسینی، نبرد همیشگی حق در مقابل باطل است؛ جنگی که محدود به زمان و مکان خاصی نیست و در هر دوره و نسلی تداوم دارد. از این رو، امام حسین علیه‌السلام همواره و برای همه انسان‌های حقیقت‌جو، پیشوا و رهبری زنده است. برای پاسداری

از ایـن رهبـری همیشـگی، ضـروری اسـت که یاد و مـرام او با شـکوه‌ترین و مؤثرترین شیوه‌ها زنده نگاه داشته شود.[1]

سوگواری و اشک بر سیدالشهدا علیه‌السلام، تنها یک مراسم احساسی نیست، بلکه عاملی بـرای تقویـت روحیـه عدالت‌خواهی، عـزم برای مقابله با سـتمکاران و انتقال میراث گران‌بهای فرهنگ شهادت به نسل‌های آینده است. به تعبیر استاد شهید مرتضی مطهری، گریه برای امام حسین علیه‌السلام نوعی «اعلام وابستگی به جبهه حق و عدالت و اعلان جنـگ با جبهه باطل»[2]اسـت و این راز مانـدگاری و فراگیری عزاداری برای آن حضرت در میان اقشار مختلف مردم است.

۱. جواد محدثی، فرهنگ عاشورا، ص ۳۱۳.
۲. شهید مطهری، نهضت های اسلامی در صد سال اخیر، ص ۸۹.

مصادیق عزاداری

سوگواری در فقدان عزیزان رفتاری طبیعی است که از جنس مهر و عاطفه انسانی سرچشمه می‌گیرد و به عنوان یک آیین رایج در میان تمامی اقوام و ملل جهان شناخته می‌شود. با این حال، شیوه‌های برگزاری و آیین‌های مرتبط با آن، تحت تأثیر مختصات فرهنگی و قومی، از تنوع و گوناگونی برخوردار است. این تنوع کاملاً طبیعی تلقی می‌گردد؛ چرا که انسان به عنوان موجودی اجتماعی و دارای عواطف پیچیده، غم و اندوه خود را در قالب رفتارهای متنوعی بروز می‌دهد. مصادیق و شیوه‌های عزاداری در گستره‌ای وسیع قرار دارند که برخی از این مصادیق، در متون معتبر روایی وارد شده و به تأیید و تقریر معصومین علیهم‌السلام رسیده‌اند. در ذیل، به برخی از این موارد اشاره خواهد شد:

۱. اشک و گریه

یکی از شیوه‌های عزاداری که ائمه علیهم‌السلام بارها به آن امر نمودند و خود نیز به آن عمل می‌کردند، مسئله گریستن در مصیبت اهل‌بیت علیهم‌السلام و یادآوری آن حوادث است. امام سجاد علیه‌السلام می‌فرمود: «**انی لم اذکر مصرع بنی فاطمة الا خنقتنی لذلک عبرة**»[۱]؛ من هرگز شهادت فرزندان فاطمه علیهاالسلام را به یاد نمی‌آورم، مگر آنکه بخاطر آن چشمانم اشک‌بار گشت.

امام حسین علیه‌السلام در روز عاشورا به فرزندشان امام زین العابدین علیه‌السلام وصیت فرمودند: «**یا وَلَدی! بَلِّغْ شیعَتی عَنِّیَ السَّلامَ فَقُلْ لَهُمْ: إِنَّ أَبی ماتَ غَریباً فَانْدُبُوهُ وَمَضی شَهیداً فَابْكُوهُ**»؛[۲] فرزندم! سلامم را به شیعیانم برسان و به آنان بگو: پدرم غریبانه به شهادت رسید پس بر او اشك بریزید.

امام رضا علیه‌السلام خطاب به ریان بن شبیب می‌فرماید: «**یَا اِبْنَ شَبیبٍ إِنْ كُنْتَ بَاكِیاً لِشَیْءٍ فَابْكِ لِلْحُسَیْنِ بْنِ عَلِیِّ بْنِ أَبِی طَالِبٍ عَلَیْهِ‌السَّلَامُ**»؛[۳] ای پسر شبیب! اگر اراده کردی برای چیزی گریه کنی پس برای حسین علیه‌السلام گریه کن.

---

۱. علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۶، ص ۱۰۹.
۲. مهدی حائری مازندرانی، معالی السبطین، ج۲ ، ص۲۰.
۳. علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۲۸۶.

۲. اقامه مجلس عزا

امام باقر علیه‌السلام در مورد اعمال روز عاشورا می‌فرماید: «**ثم لیندب الحسین ویبکیه ویأمر من فی داره بالبکاء علیه ویقیم فی داره مصیبته باظهار الجزع علیه ویتلاقون بالبکاء بعضهم بعضا فی البیوت ولیعز بعضهم بعضا بمصاب الحسین علیه السلام**»[۱] (مؤمن) بر حسین علیه‌السلام ندبه و عزاداری و گریه کند و به اهل خانه خود دستور دهد که بر او بگریند و در خانه‌اش با اظهار گریه و ناله بر حسین علیه‌السلام، مراسم عزاداری برپا کند و یکدیگر را با گریه و تعزیت و تسلیت در سوگ حسین علیه‌السلام در خانه‌هایشان ملاقات کنند.

روایت شده است که فضیل، مجلسی را در ماتم امام حسین علیه‌السلام بر پا کرد و امام صادق علیه‌السلام را از موضوع خبردار نکرد، هنگامی که روز بعد به محضر امام شرفیاب شد آن حضرت به او فرمودند: ای فضیل دیشب کجا بودی؟ عرض کرد: آقای من کاری مرا [از رسیدن به محضر شما] به تعویق انداخت. حضرت فرمودند: ای فضیل از من مخفی نکن، آیا در منزل خودت مجلس ماتمی در عزاداری بر مصیبت جدم امام حسین علیه‌السلام بر پا نکرده بودی؟ عرض کرد: بلی آقای من. حضرت فرمودند: من نیز در آن مجلس حاضر بودم. فضیل عرض کرد: پس چرا من شما را زیارت نکردم؟ در کجا نشسته بودید؟ حضرت فرمودند: آیا هنگامی که خواستی از اتاق بیرون بروی پای تو

۱. ابن قولویه، کامل الزیارات، ص۱۷۵.

به لباس سفیدی برخورد نکرد؟ عرض کرد: بلی آقای من. حضرت فرمودند: من آنجا نشسته بودم. فضیل عرض کرد: آقای من چرا نزد درب اتاق نشسته بودید و چرا به صدر مجلس تشریف نبردید؟ امام صادق علیه‌السلام به او فرمودند: جده من حضرت فاطمه زهرا علیهاالسلام در صدر مجلس نشسته بودند و لذا من برای بزرگداشت و اجلال ایشان در صدر مجلس ننشستم![1]

حضرت با حضور خود، مهر تأیید بر این‌گونه مجالس زدند.

۳. نوحه‌گری و شعرخوانی

یکی دیگر از مصادیق و شیوه‌های مرسوم در عزاداری‌ها که مورد تأکید فراوان اهل‌بیت علیهم‌السلام و ائمه اطهار علیهم‌السلام قرار گرفته است، مسئله نوحه‌خوانی و شعرسرایی است: «**عن ابی‌هارون المکفوف قال: دخلت علی ابی عبدالله علیه‌السلام فقال لی: انشدنی، فأنشدته فقال: لا، کما تنشدون وکما ترثیه عند قبره...**»[2] ابوهارون مکفوف می‌گوید: خدمت حضرت صادق علیه‌السلام رسیدم. امام به من فرمود: برایم شعر بخوان. پس من برایش اشعاری خواندم. بعد ایشان فرمود: اینطور نه، همان طور که (برای خودتان) شعرخوانی می‌کنید و همان‌گونه که نزد قبر حضرت سیدالشهدا علیه‌السلام مرثیه می‌خوانی.

---

۱. علی بن الحسین الهاشمی، ثمرات الأعواد، ج۱، ص۳۱.
۲. علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۴، ص۲۸۷.

«**قال الصادق علیه‌السلام: ما من احد قال فی الحسین شعرا فبکی و ابکی به الا اوجب الله له الجنة و غفرله.**»[1] امام صادق علیه‌السلام به جعفر بن عفان فرمود: هیچ کس نیست که درباره حسین علیه‌السلام شعری بسراید و بگرید و با آن بگریاند مگر آن که خداوند، بهشت را بر او واجب می‌کند و او را می آمرزد.

«**قال الرضا علیه‌السلام: یا دعبل! احب ان تنشدنی شعرا فان هذه الایام حزن کانت علینا اهل البیت**»[2] امام رضا علیه‌السلام به دعبل (شاعر اهل‌بیت علیهم‌السلام) فرمود: ای دعبل! دوست دارم که برایم شعری بسرایی و بخوانی، چرا که این روزها (ایام عاشورا) روز اندوه و غمی است که بر ما خاندان رفته است.

۴. لباس مشکی پوشیدن

شواهد تاریخی و ادبی، نشان می‌دهد که رنگ سیاه از دیر باز در میان بسیاری از ملل و اقوام نشان عزا و اندوه بوده است. این امر اختصاص به ایران یا دوران اسلام ندارد؛ بلکه اعراب پیش از اسلام، ایرانیان و یونانیان باستان نیز به رسم عزا، جامه سیاه یا کبود می‌پوشیده‌اند.[3] پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله و ائمه اطهار علیهم‌السلام نیز مهر تأیید بر این سنت

---

۱. شیخ طوسی، رجال شیخ طوسی(الابواب)، ص۲۸۹.
۲. آیت‌الله بروجردی، جامع احادیث الشیعه، ج ۱۲، ص۵۶۷.
۳. آدام متز، تمدن اسلامی در قرن چهارم هجری، ج ۲، ص ۱۲۷.

منطقی و رسم طبیعی گذاشته و خود در مقام عمل، در عزای عزیزان خویش سیاه پوشیده‌اند. ذیلا به مواردی از آن‌ها اشاره می‌کنیم:

۱. در عزای جعفر طیار که در جنگ موته به شهادت رسیده بود، همسرش اسماء بنت عمیس به دستور پیامبر ﷺ لباس مشکی پوشید.[۱]

۲. در جریان شهدای جنگ احد، زن‌های مدینه لباس مشکی پوشیدند.[۲]

۳. امام حسن علیه‌السلام در سوگ پدرش امیرمؤمنان علی بن ابی طالب علیه‌السلام، جامه‌های سیاه بر تن کرد و با همین جامه به میان مردم آمد و برای آنان خطبه خواند.[۳]

۴. امام باقر علیه‌السلام فرمود: «**لما قتل الحسین بن علی لبس نساء بنیهاشم السواد والمسوح و کن لاتشتکین من حرولابرد وکان علی بن الحسین یعمل لهن الطعام للمأتم**»؛[۴] زمانی که امام حسین بن علی علیه‌السلام به شهادت رسید، زنان بنی هاشم (در سوگ اباعبدالله علیه‌السلام) لباس‌های سیاه و جامه‌های خشن پشمی پوشیدند و از گرما و سرما شکایت

---

۱. ابن کثیر، البدایة والنهایة، ج۴، ص۲۸۸.
۲. علی ابوالحسنی، سیاه‌پوشی در سوگ ائمه نور، ص۲۰۲.
۳. ابن ابیالحدید، شرح نهجالبلاغه، ج ۱۶، ص ۲۲.
۴. علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۴۵، ص ۱۸۸.

نمیکردند. [پدرم] علی بن الحسین علیه‌السلام به علت [اشتغال آنان به] مراسم عزاداری، برایشان غذا درست می‌کرد.

۵. وقتی یزید در شام به اسرای اهل بیت اجازه عزاداری داد، ایشان درخواست لباس عزا کردند و برای امام حسین لباس مشکی پوشیدند[۱].

۶. هنگامی که خبر شهادت امام حسین علیه‌السلام به ام سلمه رسید، خیمه‌ای سیاه برپا کرد و جامه سیاه پوشید و مشغول عزاداری شد.[۲]

۷. در احوالات امام سجاد علیه‌السلام آمده که در عزای پدر جبه‌ای سیاه رنگ و لباس بلند کبود رنگی پوشیده بودند.[۳]

۵. سینه زدن

سینه‌زنی یکی دیگر از آیین‌های رایج عزاداری است که از صدر اسلام مرسوم بوده است:

---

۱. سید محمد گرمرودی، اشک‌های خونین در سوگ امام حسین، ص۴۹۳.

۲. محمدکاظم رحمتی، عیون الاخبار و فنون الآثار، ص۱۰۹.

۳. قاضی نعمان مغربی، دعائم الاسلام، ج۲، ص۱۶۱.

«قال الصادق علیه‌السلام: كُلُّ الْجَزَعِ وَالْبُكَاءِ مَكْرُوهٌ، مَا خَلَا الْجَزَعَ وَالْبُكَاءَ لِقَتْلِ الْحُسَيْنِ»؛[1] هر جزع و گریه‌ای مکروه است مگر جزع و گریه برای شهادت امام حسین علیه‌السلام. جابر نقل می‌کند که به امام باقر علیه‌السلام عرض کرد: جزع چیست؟ حضرت فرمود: «اشدّ الجزع الصراخ بالويل والعويل ولطم الوجه والصدر..»؛[2] شدیدترین جزع، فریاد و واویلا و صیحه و زدن به صورت و سینه است....

«فی وفاة الإمام موسى بن جعفر..... وخرجت الشيعة وهی تلطم الصدوروتذرف الدموع و خرجت السيدات من نسائهم وهنّ يندبن الإمام ويرفعن اصواتهن بالنياحة عليه.»؛[3] [در وفات امام موسی بن جعفر علیه‌السلام] ... شیعیان از خانه های خود خارج شدند در حالی که به سینه‌های خود لطمه می‌زدند و اشك‌های آنان جاری بود و بانوان بزرگ از زنان شیعیان خارج شدند، در حالی که بر امام علیه‌السلام ندبه می‌خواندند و صدای خود را به نوحه‌گری بر آن حضرت بلند می‌کردند.

---

۱. شیخ طوسی، الأمالی، ص ۱۶۲، ح ۲۶۸.
۲. شیخ حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۹۱۵.
۳. محمدباقر شریف‌قرشی، حیات الامام الرضا، ج۱، ص۹۲.

۶. لطمه زدن

لطمه زدن به معنای «زدن با کف دست بر بدن» است. گرچه برخی از لغت‌شناسان در معنای آن، فقط زدن بر صورت را مطرح کرده‌اند ولی از دقت در کلمات سایر لغت‌شناسان و موارد کاربرد این واژه، به دست می‌آید که صورت، خصوصیتی ندارد بلکه زدن با کف دست بر هر جای بدن، لطم می‌باشد.[۱]

شیخ طوسی از امام صادق علیه‌السلام نقل کرده که فرمودند: «**لا شئ فی اللطم علی الخدود سوی الاستغفار والتوبة، وقد شققن الجیوب ولطمن الخدود الفاطمیّات علی الحسین بن علی وعلی مثله تلطم الخدود وتشقّ الجیوب**»؛[۲] چیزی در زدن بر صورت به جز استغفار و توبه نیست، زیرا زنان فاطمی در سوگ حسین بن علی علیه‌السلام گریبان چاک داده و به صورت زدند و بر مثل حسین علیه‌السلام باید به صورت زده و گریبان چاک داد. همچنین در زیارت ناحیة مقدسه اینگونه آمده است: «**فلمّا رأین النساء جوادک مخزیّاً ... برزن من الخدور ناشرات الشعور، علی الخدود لاطمات وبالعویل ناحیات**»؛[۳] زنان، وقتی که اسب زخم

---

۱. فخرالدین طریحی، مجمع‌البحرین، ج۶، ص۱۶۲.
۲. شیخ طوسی، تهذیب الاحکام، ج ۸ ص ۳۲۵.
۳. ابن قولویه، کامل الزیارات، ص ۲۶۰ و ۲۶۱.

خورده تو را دیدند... از پشت پرده‌ها بیرون آمدند، در حالی که موهای خود را پریشان کرده و بر صورت می‌زدند و با صدای بلند نوحه می‌کردند.

۷. گریبان پاره کردن

«**سأل خالد بن سدیر عن الصادق علیه‌السلام عن شق الرجل ثوبه علی ابیه وامه واخیه او علی قریب له فقال: لا باس بشق الجیوب قد شق موسی بن عمران علی اخیه هارون**»؛[1] خالد بن سدیر می‌گوید: از امام صادق (در مورد مردی که در مرگ پدر، مادر، برادر، و یا یکی از نزدیکانش لباس خود را پاره کند (گریبان چاک بزند)) پرسیدم، حضرت فرمود: گریبان چاک زدن اشکالی ندارد، همانا موسی بن عمران در وفات برادرش هارون گریبان چاک زد.

ابوهاشم جعفری می‌گوید: در تشییع جنازه امام هادی علیه‌السلام، امام حسن عسکری علیه‌السلام در حالی که گریبان چاک زده بود بیرون آمد، ابوعون معترض شد و در نامه‌ای به حضرت نوشت چه کسی را دیده‌ای و یا از کدامین امام به تو رسیده که گریبان لباسش را در چنین مصیبتی چاک بزند؟ امام حسن عسکری علیه‌السلام در جواب او نوشت:

۱. علامه مجلسی، بحار الانوار، ج۷۹، ص۱۰۶، باب:فی لطم الخدود و شق الجیوب و الثیاب و النیاحة.

ای احمق. تو چه می‌دانی این کار چیست و من در مصیبت چه کسی گریبان چاک زده‌ام؟ حضرت موسی نیز در وفات برادرش هارون گریبان چاک زد.[1]

۸. تعزیه و شبیه‌خوانی

یکی از مصادیق عزاداری، تعزیه و شبیه‌خوانی است که می‌توان ادعا کرد از میان تمام آیین‌های سوگواری، فقط این مورد است که خود اهل‌بیت علیهم‌السلام و ائمه علیهم‌السلام بنیانگذار و مروج آن بوده‌اند.

«أن الکمیت الشاعر دخل علی الصادق علیه‌السلام فقال: یا کمیت أنشدنی فی جدی الحسین. فلما أنشد کمیت أبیاتاً فی مصیبة الحسین بکی الإمام بکاءاً شدیداً و بکت النسوة و أهل حریمه و صحن فی حجراتهنّ، فبینما الإمام فی البکاء و النحیب اذ خرجت جاریة من خلف الستر من الباب الذی کان فی سمت حجرات الحرم و فی یدها طفل صغیر رضیع، فوضعته فی حجر الإمام، فاشتد حینئذ بکاء الإمام غایة الاشتداد و علا صوته الشریف و علت أصوات النساء الطاهرات و الحرم من خلف الأستار من الحجرات.»؛[2] روایت شده است که کمیت (شاعر) بر امام صادق علیه‌السلام وارد شد. آن حضرت به او فرمودند: ای کمیت برایم اشعاری درباره جدم حسین علیه‌السلام بخوان. هنگامی که کمیت ابیاتی از شعر را در مصیبت امام حسین علیه‌السلام

۱. شیخ حر عاملی، وسائل الشیعة، ج۳ ، ص ۲۷۴ ، حدیث ۳۶۳۴ ، أبواب الدفن وما یناسبه.
۲. مهدی حائری مازندرانی، معالی السبطین، ج۱، ص۱۶۰.

قرائت کرد، امام صادق علیه‌السلام گریه شـدیدی کردند و بانوان و اهل حرم آن حضرت نیز گریسـتند و فریـاد گریـه آن‌هـا در حجره‌هایشـان بلند شـد. در همین بین کـه امام با صدای بلند گریه می‌کردند، کنیزکی از پشـت پرده، از دربی که در سـمت حجره‌های بانوان بود، خارج شد در حالی که در آغوش خود کودك شیرخواری داشت [آن کنیز نزدیـك آمـد] و طفـل شیرخـوار را در دامان امام علیه‌السلام گذاشـت. در ایـن هنگام گریه آن حضرت به بالاترین حد شدت گرفت و صدای مبارك حضرت بلند شد و صدای بانوان مطهره و اهل حرم از پشت پرده‌ها در حجره‌ها به گریه بلند شد.

قاعده کلی در عزاداری

از مجموع آموزه‌های دینی این‌گونه استفاده می‌شود که آنچه مورد تأکید است، اقامه اصل عزاداری در مصیبت اهل‌بیت علیهم‌السلام است، اما نوع و کیفیت عزاداری به عرف هر شهر و منطقه واگذار شده است و مادامی که شارع مقدس از نوع خاصی از عزاداری منع نکرده و یا انجام نوع خاصی از عزاداری با اصول و ارزش‌های دیگر اسلام و مکتب اهل‌بیت علیهم‌السلام منافات نداشته باشد، می‌توان قائل به جواز آن نوع عزاداری شد، البته باید توجه داشت که مسائل فرهنگی جانبی این‌گونه مجالس باید به گونه‌ای باشد که با ارزش‌ها و آرمان‌های اهل‌بیت علیهم‌السلام سازگار باشد و با هیچ یک از معیارها و موازین اسلامی هیچ‌گونه تنافی نداشته باشد.

یکی از مهم‌ترین مسائلی که باید در این‌گونه مجالس مورد توجه قرار بگیرد اجتناب از محرمات است.

رهبر معظم انقلاب همواره بر سوگواری هدف‌دار و پیرایه از آسیب‌های لفظی و معنوی تأکید دارند. و سخنرانی ایشان در سال ۱۳۷۳ را می‌توان نقطه عطفی در پیرایش فرهنگ سوگواری از تحریف‌ها دانست. ایشان به طور جدی درباره آسیب‌ها و تحریف‌های عاشورا، به ویژه مراسمی همچون قمه‌زنی هشدار دادند. گفتنی است، نگرش ایشان در بردارنده هر دو بُعد لفظی و معنوی بوده است. چنان که در جایی چنین می‌گویند: «ما به برکت امام حسین علیه‌السلام و حفظ فرهنگ آن توانستیم نظام اسلامی را در جامعه خود به وجود آوریم. علمای دین، مبلّغان و ذاکرین باید مسئله عاشورا و مصایب امام حسین علیه‌السلام را به صورت یك مسئله جدی و اساسی مورد توجه قرار دهند و در این راه حادثه کربلا را از بیراهه‌های مضر و خلاف واقع جدا سازند و پس از خالص کردن آن با انواع هنرهای بیانی، به ذکر این مصیبت بزرگ بپردازند. این حادثه پشتوانه یك نهضت است و باید آبرومند، پر طپش و پرقدرت باقی بماند».[1]

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار جمعی از روحانیون در آستانه ماه محرم، ۱۳۶۸/۰۵/۱۱.

هیأت تراز انقلاب اسلامی،
همان قله‌ای است که باید به سویش حرکت کنیم؛
همان هیأت الگویی است که گوشه گوشه و لحظه لحظه‌اش
مورد رضایت امام عصر عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف است؛ هیأتی است که شایسته برپایی
در حضور حضرتش باشد. هیأتی آماده حضور و ظهور...

***

ترسیم بایسته‌ها و شایسته‌های چنین هیأتی، هرچند سخت و دشوار
می‌نماید؛ اما لازم است و ضروری.
در «**خورشید**»، به منبع بی‌انتهای ثقلین تمسک می‌جوییم و تلاش می‌کنیم
آداب و ابعاد مختلف هیأت تراز انقلاب اسلامی را در پرتو قرآن و عترت
نشانه‌یابی کنیم.

جامعه ایمانی مشعر،
محفلی است برای گردآمدن
هیأت‌های کشور.
مشعر چیزی جز اجتماع هیأت‌ها نیست،
جامعه‌ای فراتر از مرزهای نژادی و
تقسیمات جغرافیایی و سیاسی.
اجتماعی ایمانی و توحیدی است

۰۲۵-۳۶۳۱۲۲۰
۳۰۰۰ ۱۵۴۲
www.۱۵۴۲.org
info@۱۵۴۲.org

که به دنبال ارتباط بیشتر
محبّان سیدالشهدا علیه‌السلام است...
قرار نیست مشعر تولید کند.
قرار است مشعر آیینه تولیدات
و فعّالیّت‌های شما باشد.
اینجا، جای آرم هیأت شماست
که باید در شماره‌های بعد پرش کنید...